

نقش زنان در پروسه صلح و تأثیرگذاری آن بر یکدیگر

داوود ناظری*

چکیده

نقش و تأثیرگذاری بانوان در پروسه صلح کنونی غیر قابل انکار و بسیار ضروری و حیاتی است. به وجود آمدن یک صلح باعزت در گرو چگونگی رعایت حقوق و در نظرگیری جایگاه زنان است. بین حقوق زنان و پروسه صلح رابطه وجود داشته و بدون همدیگر به هدف نمی‌رسند. در جریان کنونی صلح که در دوحه قطر جریان دارد، متأسفانه حضور کم‌رنگ زنان، عدم دیدگاه روشن درباره حقوق و دستاوردهای آنان در نظام آینده، بی‌باوری‌ها نسبت به تأثیرگذاری زنان در روند صلح، از موانع مهم آن به شمار می‌رود. هدف این مقاله، بررسی رابطه بین حقوق زنان و صلح و تأثیرگذاری آن بر همدیگر است تا دو طرف مذاکره‌کننده به نقش و جایگاه زنان به عنوان یک مهم توجه داشته باشند و سهم زنان در این پروسه بیش‌تر شود. روش جمع‌آوری معلومات در این مقاله، با روش کتابخانه‌ای و مصاحبه با شخصیت‌ها و آگاهان مسائل حقوق زن صورت گرفته است. تمرکز اصلی روی بررسی نقش و جایگاه زنان در فرایند صلح و تأثیرگذاری آن بر یکدیگر است. سؤال اصلی این است که چه رابطه بین زنان و فرایند صلح وجود دارد؟ تأثیرگذاری بانوان فعال بر پروسه صلح چیست و برعکس تأمین

* پژوهشگر.

صلح چه تأثیری بر وضعیت بانوان افغانستان دارد؟

یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که در ابعاد گوناگون، زنان تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم بالای پروسه صلح دارند. موفقیت و ناکامی گفت‌وگوی صلح نیز بر وضعیت زنان تأثیرگذار است. در نظر گرفته شدن جایگاه زنان در روند صلح یک مسئله بسیار جدی و مهم است که حتی سرنوشت این گفت‌وگوی پرهزینه و تاریخی به میزان کیفیت رعایت حقوق بانوان گره خورده است.

واژگان کلیدی: نقش زنان در پروسه صلح، حقوق و جایگاه زنان، پیشنهادها و

راه‌کارها.

۱. مقدمه

از آن‌جا که روند صلح یک فرصت استثنایی برای حل مشکلات امنیتی چندین ساله در افغانستان به شمار می‌رود، استفاده از این فرصت مهم و رفع موانع از مسیر رسیدن به هدف در این پروسه، کاری بسیار مهم و حیاتی در افغانستان است. یکی از مواردی که به آن باید توجه جدی صورت گیرد، نقش زنان و تأثیر این قشر عظیم جامعه در فرایند صلح و گفت‌وگوهای بین‌الافغانی است. اگر حقوق زنان و تأثیرگذاری‌ها و نقش آنان در ابعاد مختلف در مذاکرات صلح نادیده گرفته شود، افغانستان به یک صلح پایدار و مورد قناعت همه حداقل با طالبان نخواهد رسید. هم‌چنین، تعریف دقیق حقوق زنان و نقش آنان در این پروسه، در نظر گرفته شدن خواسته‌ها و مطالب‌شان، بررسی نقش زنان در تأثیرگذاری بر روند صلح و برعکس نقش صلح در بهبود حقوق زنان، از مسائل مهم و ضروری تحقیقاتی در زمان کنونی به شمار می‌روند.

در این مقاله با استفاده از روش‌های مؤثر و کاربردی تحقیقاتی و با زحمات زیاد در قسمت انجام مصاحبه با فعالان حقوق زن و خبره‌ها و تحلیلگران با هماهنگی‌ها و دشواری‌های زیاد، ابعاد مختلف حقوق بانوان مرتبط به صلح و تأثیرگذاری آن بر یکدیگر به بررسی گرفته شده است. در اخیر این مقاله، مهم‌ترین پیشنهادها و ارائه راه‌کارها با استفاده از دیدگاه کارشناسان، منابع دینی و قانونی برای رعایت بیش‌تر جایگاه زنان در پروسه صلح مطرح شده است.

روش‌های تحقیقی که در این مقاله از آن استفاده شده، در یک بخش از روش تحقیقاتی کتابخانه‌ای است که با بررسی ارزش‌های دینی، آیات قرآن کریم و احادیث مرتبط به موضوع که هرکدام در بخش‌های مخصوص خودش با آدرس آیات و روایات ذکر شده است. در بخش دیگر، تمامی قوانین

ملی و بین‌المللی درباره موضوع بررسی شده است که زنان و بانوان از ابعاد مختلف دارای چه جایگاه و حقوق درباره صلح‌اند. در یک قسمت که بخش مهم مقاله را تشکیل می‌دهد، انجام مصاحبه رو در رو با شخصیت‌های مطرح کشور در بخش حقوق بشری و مذاکرات صلح است. این مصاحبه‌ها با دکتر سیما سمر، رئیس پیشین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و یکی از مدافعان حقوق بشر، دکتر رسول طالب، عضو هیأت مذاکره‌کننده صلح، دکتر امین احمدی، عضو هیأت مذاکره‌کننده صلح و تعدادی از جامعه‌شناسان انجام شده است.

هدف از تحقیق، روشن شدن جایگاه بانوان در مذاکرات صلح و نقش آنان است؛ یعنی این مسئله باید روشن شود که چه ضمانت‌های اجرایی برای تأمین حقوق بانوان و مطالبات و انتظارات‌شان از روند صلح وجود دارد. همچنین، تثبیت و مشخص شدن استراتژی درازمدت حضور زنان فعال در تشکیلات شورای عالی صلح چگونه باید باشد. جایگاه زنان و تأثیرگذاری آنان از منظر دینی، قانونی و تأکيدات فعالان حقوق زنان باید مشخص و همگانی گردد. هدف دیگر این است که از هرگونه مانعی که بر سر راه مشارکت بانوان در فرایند صلح وجود دارد، باید جلوگیری شود و همچنین، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و حامیان بین‌المللی آن باید به حمایت از حضور و مشارکت زنان در گفت‌وگوی صلح تشویق شوند.

سؤال اصلی در این مقاله این است که نقش و تأثیرگذاری زنان افغانستان در مذاکرات صلح چیست؟ همچنین، سؤالات دیگری نیز مطرح است که زنان از چه جایگاه دینی، قانونی و حقوق بشری در مذاکرات برخوردارند؟ اگر مشارکت آنان کم‌رنگ و سمبلیک باشد، پیامدها و عواقب آن چیست؟ حضور و مشارکت معنادار بانوان در این پروسه تا چه اندازه به موفقیت آن کمک می‌کند؟ چه رابطه بین حقوق زنان و پروسه صلح وجود دارد؟ آیا بر یکدیگر تأثیرگذارند؟

۲. نظریه دانشمندان

از نظر «لورنس فریدون»، امنیت و صلح «نقش اساسی روی بهبود وضعیت حقوق زنان دارد» (آشوری، ۱۳۸۳: ۳۱۹). این دانشمند می‌گوید امنیت و حقوق زنان لازم و ملزوم یکدیگرند؛ چون عوامل ضد امنیتی برهم‌زننده آرامش افراد نیز هست و بر این اساس، در نبود صلح و امنیت، بانوان نیز از حقوق شهروندی‌شان محروم می‌شوند.

امانوئل کانت، فیلسوف آلمانی، گفته است فقدان جنگ به معنای صلح و یکی از حقوق بشری زنان به شمار می‌رود (ارجمند، ۱۳۸۱: ۲۷۱). به نظر ایشان، حقوق زنان همواره اسیر تصورات ذهنی شده و این مسئله ابعاد مختلف آن را نامن کرده است. طبق نظر کانت، آزادی در رأس حقوق زنان قرار دارد؛

اما تأمین حقوق زنان باید کاملاً در قالب حق و منطبق باشد و ناامنی و حرکت‌های خشن در مقابل حقوق شهروندان، به هیچ وجه پذیرفتنی و قابل توجیه نیست.

«مری رانبسون»، کمیسار عالی حقوق زنان در زمینه صلح و حقوق زنان، این نظریه را دارد که کلید ارتقای صلح، حقوق زنان است (ارجمند، ۱۳۷۸: ۲۱). از نظر ایشان، حقوق زنان و صلح در بخش همدیگر از اهمیت و ارزش بالایی برخوردارند. ایشان حقوق بشری زنان را مانند یک واکسن در برابر نابرابری‌ها، سیاست تبعیض، خشونت، دشمنی‌ها و نزاع عنوان کرده است (مهرپور، ۱۳۷۸: ۳۱). طبق نظریه این دانشمند، آموزش حقوق زنان باید منتج به عملکرد به آن شود؛ در غیر آن صورت کارایی ندارد (ارجمند، ۱۳۷۸: ۱۶۶).

«آرچپالمک»، نویسنده اساس نامه یونسکو، به این نظریه است که صلح و حقوق زنان بر یکدیگر تأثیرگذارند؛ چون صلح وضعیتی است ناشی از اعتماد متقابل هماهنگ در جهت همکاری در اقداماتی که در پرتو آن، رضایت انسان‌ها از زندگی بالا می‌رود (هاشمی، ۱۳۷۸: ۳).

«جان گالتونگ»، اندیشمند مطالعات صلح، این نظریه را دارد که امتحان اعتبار فرهنگ صلح، بر چگونگی رفتار افراد در تعاملات اثر دارد. فرهنگ صلح نزدیک به فرهنگ حقوق زنان است. از نظر ایشان، هدف حقوق زنان در پی دگرگونی و جایگزینی و طرز تلقی‌ها و رفتار سنتی و خشن است و می‌خواهد به جای آن فرهنگ مسالمت‌آمیز زندگی را جایگزین نماید. از نظر ایشان، آموزش حقوق زنان و فرهنگ آن، به کاهش منازعات و جنگ و خشونت تمرکز می‌کند (نروشن، ۱۳۵۷: ۳۰).

کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد، به این نظریه است که امنیت و توسعه حقوق زنان، لازم و ملزوم یکدیگرند. بدون تأمین حقوق زنان، نیل به صلح و امنیت غیر ممکن است (موحد، ۱۳۸۱: ۳۱۴). از نظر ایشان، آموزش حقوق زنان به جوامع کمک می‌کند تا تضمین حقوق زنان و توسعه تنها در اختیار سرمایه‌داران نباشد و فقرا نیز به آن دسترسی داشته باشند. از نظر آقای عنان، در طرح‌هایی که افراد فقیر و طبقه متوسط جامعه دخیل نباشند، صلح در آن غیر ممکن است (ملکیان، ۱۳۸۵: ۲۲)؛ چون یک بخش ناامنی به فقر و مشکلات بیکاری مربوط می‌شود. آموزش حقوق زنان و تأمین آن، امکان مشارکت گسترده را برای افراد به‌ویژه گروه‌های محروم و حاشیه‌نشین، فراهم می‌سازد. این مسئله خود باعث کمرنگ شدن عوامل نقض حقوق شهروندان می‌شود.

«ممتاز سوسیال»، دانشمند دیگر در مراسم سخنرانی خود در جایزه صلح نوبل، این نظریه را دارد. صلح نباید بر اساس نبود جنگ و درگیری ارزیابی شود؛ بلکه بایستی بر اساس عدالت و حقوق زنان ارزیابی شود. در جایی که بی‌عدالتی وجود دارد، زمینه‌ها برای نقض حقوق زنان زیاد وجود دارد. در

جایی که حقوق زنان نقض می‌شود، تهدیدات امنیتی زیادی نیز وجود دارد (لطفی، ۱۳۹۱: ۲۹).

«کورت والد‌هایم»، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، گفته است در نبود احترام به‌خصوص زنان، صلح و توسعه معنای خود را از دست می‌دهد (فلسفی، ۱۳۸۱: ۱۲). وابستگی متقابل حقوق زنان، صلح و توسعه به معنای آن است که از آن در مقابل بیم اثر، به همان میزان بر اساس حقوق زنان ارتباط دارد. «پام جان» در ۲۷ مه ۲۰۰۴ میلادی، به درستی اظهار داشت هیچ صلح واقعی بدون احترام به‌خصوص زنان نمی‌تواند وجود داشته باشد (عبادی، ۱۳۷۳: ۱۰). فقط صلح می‌تواند زمینه‌ساز حقوق زنان باشد. برای تأمین صلح باید از خود حرکت نشان دهد تا حقوق زنان تأمین گردد. از نظر این دانشمند، جنگ و ناامنی همیشه با نقض گسترده حقوق زنان همراه بوده است و درد مشکلات را بر مردم تحمیل کرده است.

۳. ابعاد حقوق زنان مرتبط با صلح

حقوق زنان در ابعاد گوناگون با صلح و امنیت مرتبط است و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را انکار کند. ملموس‌ترین و عینی‌ترین شاهد این است که زنان، مادران و دختران افغانستان در همه ناامنی‌ها و جنگ‌ها قربانی داده، فداکاری کرده و از جنگ متأثر شده‌اند. بازهم اگر دقیق‌تر بررسی کنیم، در تعریف‌هایی که از حقوق زنان صورت گرفته، همه به امنیت و صلح برمی‌گردد. بر اساس یکی از تعریف‌ها، حقوق، امتیازاتی است که با قاعده‌های حقوقی به نظم درآمده و هر زن باید در فضای صلح و امنیت از آن بهره‌مند باشد (فلسفی، ۱۳۸۱: ۸۱). در قانون اساسی افغانستان نیز روی بهبود وضعیت زنان و مبارزه با ناامنی‌ها، سنت‌ها و افکار منفی علیه زنان تأکید شده است. در قطع‌نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد و قطع‌نامه ۲۱۲۲ ملل متحد نیز سهم‌گیری و نقش زنان در کلیه مذاکرات صلح و حل مناقشات در سطوح مختلف یک اصل جداناپذیر تلقی شده است.

یکی دیگر از حقوق بانوان مرتبط به صلح، حق برابری است که هم از نظر دینی و هم از نظر قانونی و اعلامیه‌های جهانی روی آن تأکید شده است. فعلاً هیچ‌کس طرفدار تبعیض جنسیتی نیست و زنان و مردان باید مساویانه از فرصت‌ها بهره‌مند باشند. از نظر دین اسلام، زن و مرد در اصل خلقت، در عمل و پاداش و در مجازات و مکافات، یکسان خطاب شده است (نساء/ ۱). خداوند (ج) در قرآن کریم در آیات ۱۲۴ سوره نساء و آیه ۶ سوره تحریم، هرگونه تبعیض و برتری‌جویی جنسیتی را میان زن و مرد مردود دانسته است. در آیات ۲۸ و ۲۹ سوره حجر، آیه ۵ سوره حج و آیه ۲۰ سوره طارق، در مورد تساوی وجودی و خلقت زن و مرد اشاره شده و مؤمنان و مسلمانان را از فرق قائل شدن میان فرزندان پسر و دختر و زن و مرد به شدت نهی کرده است. در پایان کنفرانس‌های مهم جهانی از

جمله مکزیکوسیتی (۱۹۷۵)، کینهاک (۱۹۸۰)، نایروبی (۱۹۸۵)، بجینگ (۱۹۹۴) و نیویورک (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیدند که دفاع از حقوق زنان و برقراری تساوی میان مردان و زنان، یکی از راه‌های رسیدن به صلح و ثبات است. دولت افغانستان بسیاری از این کنوانسیون‌ها را امضا کرده و به تطبیق آن متعهد است و در ماده هفتم قانون اساسی نیز آمده که دولت به اعلامیه‌های جهانی حقوق بشری احترام می‌گذارد.

بر این اساس، نادیده گرفته شدن نقش و جایگاه زنان در پروسه صلح، مخالف همه این تأکیدات و ارزش‌های دینی و قانونی است. هم‌چنان که مردان از فرصت‌های بیش‌تری در مذاکرات صلح برخوردار باشند؛ اما زنان در یک تیم اصلاً حضور نداشته باشند و در تیم جمهوری اسلامی هم حضورشان کم‌رنگ باشد. حتی برخی شکایت‌ها وجود دارد که حضور زنان به اندازه کافی معنادار نیست. پس وقتی که مسئله تبعیض جنسیتی مطرح نباشد، چرا حضور زنان در گروه‌های مذاکره‌کننده کم‌رنگ هست؟ در حالی که از نظر آسیب‌پذیری، سرنوشت، اقتصاد، درصد نفوس و حساسیت موضوع هیچ کمبودی از مردان ندارند.

حق برخورداری از امنیت و آمدن صلح در کشور، از دیگر حقوق زنان مرتبط به صلح و امنیت است (طلایی، ۱۳۹۲: ۲۳). زنان حق دارند که در تصمیم‌گیری‌های روند صلح شریک باشند و سهم معنادار داشته باشند؛ چون به اندازه مردان در نتیجه ناامنی‌ها متضرر می‌شوند. کشته شدن، زخمی شدن، معلولیت، بی‌سرپرستی، بیوگی، یتیمی، بدسرپرستی و آوارگی و محروم شدن از همه فرصت‌های زندگی بر پیکر زنان هم وارد می‌شود.

کاهش جنگ و خشونت‌ها از دیگر حقوق بانوان مرتبط با صلح است. متأسفانه بیش‌ترین قربانیان را زنان و بانوان افغانستان در جریان مذاکرات صلح متحمل شده‌اند. طالبان باید خواست مردم مبنی بر کاهش خشونت‌ها را در جریان مذاکرات در نظر می‌گرفتند. در حالی که از نظر تأکیدات دین اسلام و ارزش‌های قانونی، زندگی کردن و برخورداری از امنیت، حق اساسی هر شهروند و زنان دانسته شده است. در ماده ۲۳ قانون اساسی افغانستان، در این زمینه صراحت کامل دارد و تأکید می‌کند که زندگی موهبت الهی است و هیچ‌کس بدون مجوز قانونی از این حق محروم شده نمی‌تواند. در صورت وقوع جنگ و تعرض مسلحانه، تعداد زیادی از مردم از بین می‌روند که این خود نشان‌دهنده ضایع شدن حق حیات‌شان است. به همین خاطر، در بسیاری از اسناد بین‌المللی از جمله در کنوانسیون محو اشکال تبعیض نژادی (۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ میلادی) تأکید شده که دوری از خشونت، شکنجه و بدرفتاری، رهایی از مجازات صحرایی و خودسرانه، شامل حق هر شهروند است؛ اما این حقوق به خاطر جنگ و ناامنی از بین می‌رود و نقض می‌شود. قطع‌نامه ۱۹۹۶/۱۴، به‌عنوان یک قطع‌نامه قابل توجه در زمینه

حمایت از حق حیات بشر صادر شده و گفته کمیسیون فرعی راجع به پیگیری و جلوگیری از تبعیض و حمایت اقلیت‌ها باید ایجاد شود. طبق تأکید این کنوانسیون‌ها، به مجردی که طفل از مادر متولد می‌شود، دارای حق زندگی کردن است و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را ضایع کند.

داکتر محمدامین احمدی، عضو هیأت مذاکره‌کننده صلح، به مجله اندیشه معاصر می‌گوید اگر طالبان واقعاً صلح می‌خواهند، در گام نخست به حق حیات مردم احترام بگذارند و خشونت‌ها را کاهش دهند. متأسفانه هر روز می‌بینیم که افراد ملکی، به‌خصوص زنان و بانوان، جان‌های‌شان را در نتیجه ناامنی‌ها از دست می‌دهند. به تازگی سه کارمند یک رسانه تلویزیون انعکاس که هر سه بانو بودند، به شکل مرموز ترور شدند. داکتر رسول طالب نیز یکی از اعضای مذاکره‌کننده به مجله اندیشه معاصر می‌گوید صلح بدون تأمین حق حیات و کاهش خشونت‌ها به نتیجه نخواهد رسید و مهم‌ترین آثار و برکت صلح، کاهش خشونت‌ها و تهدیدها علیه شهروندان است. بر این اساس، گفته می‌توانیم که رعایت حقوق شهروندان، به‌خصوص زنان، در بخش حیات و زندگی آنان و کاهش خشونت‌ها به‌شدت بر موفقیت پروسه صلح مؤثر است که متأسفانه تا هنوز از صلح طالبان رعایت نشده است.

۴. ابعاد تأثیر گذاری زنان بر روند صلح

۴-۱. اجماع و کثرت‌گرایی

یکی از ابعاد مهم تأثیر گذاری حضور بانوان در فرایند صلح، مسئله کثرت‌گرایی است. از آن‌جا که در نظام جمهوری اسلامی، ارزش‌های دینی و قوانین ملی و بین‌المللی، تکیه بر آرای مردم و حمایت از یک روند مهم است، کثرت‌گرایی و اجماع نقش اساسی را در موفقیت پروسه صلح دارا است. زمانی که رضایت زنان از پروسه صلح تأمین شود، کثرت‌گرایی به وجود می‌آید. رسول طالب، عضو هیأت مذاکره‌کننده صلح، به مجله اندیشه معاصر می‌گوید به هر اندازه که اجماع سیاسی و کثرت‌گرایی در کشور بیش‌تر باشد، آنان در قطر از موضع بالاتر و بهتری برخوردار هستند.

۴-۲. تأثیرات اقتصادی

از نظر اقتصادی نیز زنان روی پروسه صلح تأثیر گذارند؛ چون یکی از عوامل جنگ و ناامنی در کشور ما، فقر و بیکاری است. اکنون تعداد زیادی از بانوان هستند که در ایجاد کار، تأمین اقتصادی مردان خانواده، تقویت پروسه‌ها و گفت‌وگوها، ایجاد انجمن‌ها و آموزشگاه‌ها، نقش دارند. بر این اساس، نقش اقتصادی زنان را در روند صلح نباید نادیده گرفت. از یک‌سو پیشرفت‌ها و گسترش فعالیت زنان در عرصه اقتصادی باید رعایت شود و از جانب دیگر، برای توسعه و شکوفایی استعداد های بانوان

حمایت‌های لازم انجام شود. ذولفا امیری، رئیس یک انجمن خصوصی کارگاه خیاطی برای آقایان و بانوان، به مجله اندیشه معاصر می‌گوید وی توانسته بیش‌تر از ۵۰۰ نفر را شامل کار سازد. اگر این افراد بیکار می‌بودند، شاید تعداد زیادی از آنان به گروه‌های تبهکار، قاچاق‌بران، طالبان و داعش می‌پیوستند. همین قسم تعداد زیادی از بانوان به عنوان دکتر، انجینیر، خبرنگار، مدیر رسانه، تدوین‌کننده، گرافیسیت، نقاش، فلم‌ساز، نویسنده و هنرپیشه و تاجر در کشورها فعالیت دارند که ده‌ها دختر و پسر در کنار آنان مشغول کار هستند. تعداد بیش‌تر این دختران و زنان نان‌آوران خانواده‌ها و مردان‌شان هستند و اجازه نمی‌دهند که آنان از شدت فقر و بیکاری به خلاف رو بیاورند. دکتر سیما سمر، رئیس پیشین کمیسیون مستقل حقوق بشر، در مصاحبه اختصاصی با مجله اندیشه معاصر تأکید می‌کند که دسترسی بانوان به خصوص کاری و اقتصادی‌شان مطابق قانون فراهم شود تا یک صلح باثبات و همراه با عدالت اجتماعی داشته باشیم. بر این اساس، در مذاکرات صلح باید نقش و جایگاه زنان در پروسه صلح بر اساس فرمایشات دینی و قانونی در نظر گرفته شود تا آینده صلح روشن باشد و رضایت بیش‌تر را به همراه داشته باشد.

حقوق و جایگاه اقتصادی زنان در مذاکرات صلح از هر دو طرف باید به گونه جدی رعایت شود و هیچ منافاتی هم با دستورات دینی و قانونی ندارد. در سوره نسا، آیه ۳۲ قرآن کریم آمده است که هرچه را که مردان کسب می‌کنند و به دست می‌آورند و مالک‌شان هستند، زنان نیز هرچه را که کسب می‌کنند، مالک آن هستند. اگر یک پسر حق دارد کار کند و مالک حقوقش باشد، دختر نیز حق دارد کار کند و مالک حقوقش باشد. در ماده‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم کنوانسیون جهانی رفع تبعیض علیه زنان نیز آمده است که دولت‌ها باید برای حل مشکلات کاری بانوان ابتدا باید قانون کار را به رسمیت بشناسند و سپس برای رفع موانع کار کردن زنان در جامعه تلاش کنند. مطابق ماده یازدهم این کنوانسیون، یکی از حقوق لاینفک بانوان، حق کار کردن است. در ماده ۱۲۵ قانون کار آمده است که امتناع از پذیرش کارمندان زن و کم‌ساختن مزد آنان، ممنوع است.

بنیاد اندیشه

۴-۳. تأثیرگذاری از طریق مطالبات و آزادی بیان

یکی دیگر از ابعاد تأثیرگذاری بانوان در پروسه صلح، میزان حق دسترسی آنان به آزادی بیان است تا زنان بتوانند مطالبات، اعتراضات و خواسته‌های‌شان را آزادانه مطرح کرده و این مطالبات بر روند صلح تأثیرگذار باشد. این مسئله هیچ‌گونه مغایرتی با دستورات دینی، قوانین ملی و ارزش‌های حقوق بشری ندارد و آگاهان به شدت روی تقویت این اصل تأکید می‌کنند. از منظر دینی می‌بینیم که بزرگان و خانواده پیامبر همواره خطبه‌ها ایراد کرده‌اند و در محافل و مجالس سیاسی صحبت و سخنرانی

داشته‌اند. حتی حضرت زینب در بین دشمنان در شام خطبه خواند و سخنرانی کرد (شفیعی، ۱۳۹۱: ۲۰). از نظر قانون نیز آزادی بیان و اعتراضات از حقوق مسلم شهروندان به خصوص دانسته شده است. در ماده ۳۴ قانون اساسی تأکید شده است که آزادی بیان به حیث یکی از حقوق مهم بشری، باید مصون و محفوظ باشد؛ اما نبود امنیت، باعث نابودی و کمرنگ شدن آزادی بیان می‌شود. بانو سیما سمر، رئیس پیشین کمیسیون مستقل حقوق بشر، در این زمینه در گفت‌وگوی اختصاصی با مجله اندیشه معاصر می‌گوید آزادی بیان یک اصل است و بدون رعایت آن، آسیب‌های جدی فراروی صلح وجود خواهد داشت.

زنان باید از طریق رسانه‌ها، برگزاری اجتماعات و برنامه‌های کلان، بر طرف‌های مذاکره صلح فشار بیاورند که روی حقوق و دستاوردهای چندین ساله آنان هیچ‌گونه معامله صورت نگیرد و باید حمایت‌های عمومی از دستاوردهای‌شان بیش‌تر شود. در نبود این اصل، مشکلات و خواسته‌های زنان در مذاکرات صلح به فراموشی سپرده شده یا به شکل درست مطرح نمی‌شود. فعلاً متأسفانه در مناطق تحت کنترل طالبان یا مناطقی که جنگ وجود دارد، زنان نمی‌توانند آزادانه اظهار نظر کنند و همیشه در خطر تهدید مخالفان مسلح، اربابان قریه و زورمندان هستند؛ اما برعکس در ولایت‌هایی که امنیت نسبی باز است تا یک اندازه، مردم از آزادی حقوقی‌شان برخوردارند. در شرایط صلح، آزادی زنان از طریق نوشته، رسانه، فیلم، عکس، ثبت روی نوار و تمثیل‌ها و انتخابات بیش‌تر فراهم است. بر این اساس، گفته می‌توانیم که صلح و امنیت بر آزادی بیان به عنوان یکی از حقوق شهروندان تأثیرگذار است.

۴-۴. تأثیر گذاری از طریق انجمن‌ها و مراسم‌ها

یکی دیگر از ابعاد تأثیر گذاری زنان بر روند صلح، فراهم‌بودن امکانات برگزاری مراسم‌ها و مذاکرات در بین فعالان حقوق زنان است. این مراسم‌ها شاید در منازل مسکونی، مساجد، مکان‌های عمومی و حضور در میزگردهای رسانه‌ای برگزار شود؛ اما ناامنی‌ها در مسیرهای راه، انفجار ماین‌های کنار جاده‌ای و ماین‌های مقناطیسی سبب می‌شود که این بخش از فعالیت‌های زنان در پرونده صلح از بین برود و از آن استفاده نشود. از آن‌جا که خانه‌ها و منازل مسکونی حداقل باید آرام باشند؛ اما در شرایط فعلی جنگی و استفاده طالبان از خانه‌های مردم به عنوان سنگر، پرتاب راکت و هاوان، فیر بالای خانه‌های مردم، این حق را نیز از زنان و بانوان گرفته است. متأسفانه فعلاً در جریان مذاکرات صلح، طالبان هیچ‌علاقه و توجهی به این حقوق مردم و زنان به خصوص نشان نداده و در مناطق مسکونی و جنگی، از خانه‌های آنان به عنوان سنگرهای جنگی استفاده می‌کنند. در جریان جنگ‌های مسلحانه، خانه‌های مردم و کار و زندگی‌شان کاملاً تعطیل می‌شود؛ اما اگر امنیت تأمین باشد، خانواده‌ها راحت

می‌توانند محافل و مجالس مشوره‌دهی را دربارهٔ مسائل سیاسی مطرح کنند و آسیب‌شناسی نمایند.

در بخش هماهنگی‌ها، ارتباطات و سفرها نیز زنان با مشکلات اساسی مواجه هستند. این روزها شاید حتی به راحتی نتوانند در دفاترشان به خاطر ماین‌های مقناطیسی حاضر شوند. در صورت فراهم‌بودن حق سیر و سفر مطابق مادهٔ ۳۹ قانون اساسی، زنان می‌توانستند بیش‌تر روی پروسهٔ صلح اثرگذار باشند؛ چون برای شرکت در بحث‌های رسانه‌ای، مسافرت از یک ولایت به ولایت دیگر برای تحقیق، برگزاری مراسم‌ها و جلسه‌ها، نیازمند سفر هستند که باید راه امنیت باشد. همه‌روزه می‌بینیم که در راه‌های مواصلاتی کشور گروگان‌گیری‌ها، انفجارهای جاده‌ای و جنگ جریان دارد.

۴-۵. تأثیرگذاری از طریق آموزش

زنان زمانی می‌توانند بیش‌ترین تأثیرگذاری را روی مسائل سیاسی و صلح داشته باشند که دارای آگاهی و سواد کافی باشند. به همین خاطر، دشمنان همواره مکاتب دخترانه را آتش زده و مانع رشد آگاهی مردم می‌شوند؛ چون دوام حکومت و قدرت آنان در تاریکی است نه در روشنایی و روشنگری پروری. به هر میزانی که تحصیلات رشد کند، به همان اندازه جایگاه طالبان در افکار مردم تنگ‌تر می‌شود. در این قسمت دکتر عباس بصیر، وزیر تحصیلات عالی، در یک مصاحبهٔ اختصاصی با مجلهٔ اندیشه معاصر می‌گوید وزارت تحصیلات تلاش می‌کند که نظام تحصیلی را از آموزشی بودن تنها خارج و آن را با ارزش‌های صلح، سیاست و اقتصاد و بازار همراه بسازد. نظام تحصیلی باید پژوهش‌محور باشد تا میزان آگاهی و روشنی در جامعه بیش‌تر شود؛ اما فعلاً در مناطقی که ناامنی است و طالبان حاکمیت دارند، دختران از رفتن به مکاتب محروم هستند. وقتی که آنان سواد نداشته باشند، در پروسه‌های ملی و سیاسی نیز هیچ‌گونه تأثیرگذاری نخواهند داشت. نبود صلح و جنگ‌ها سبب عقب‌ماندن بانوان و بی‌سواد ماندن آنان می‌شود؛ یعنی از هر لحاظی که سنجش کنیم، آموزش و باسواد شدن بانوان روی تأمین امنیت و موفقیت روند صلح نقش دارد.

بنیاد اندیشه

۱۳۹۴

۴-۶. تأثیرگذاری از طریق سیاست

اکنون زنان سیاست‌مدار زیادی در کشور داریم که می‌توانند مسائل کلان سیاسی به خصوص پروسهٔ صلح را خودشان به‌خوبی مدیریت کنند. در طول بیست سال گذشته، زنان توانستند حزب تأسیس کنند، رسانه داشته باشند، دارای انجمن و اتحادیه‌ها شوند، در بدنهٔ نظام سیاسی شامل شوند و تجارب خوبی را کسب کنند و رشته‌های تحصیلی مربوط به سیاست را تمام کنند. اکنون دیگر زنان از نظر سیاسی عقب‌مانده نیست و نباید دست‌کم گرفته شوند. به همین خاطر، مشارکت آنان در پروسهٔ صلح،

پیشرفت و موفقیت آن را تضمین می‌کند. بر این اساس، دیگر طالبان نمی‌توانند از طریق میل تفنگ از زنان کشور بیعت بگیرند و تمامی خرد سیاسی آنان را نابود کنند. دکتر رسول طالب در این قسمت می‌گوید: بانوان مانند مردان در ترکیب هیأت مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی افغانستان از نقش مهمی برخوردارند و مهارت‌های خوب سیاسی را کسب کرده‌اند.

پیشرفت زنان در حوزه سیاست نیز هیچ مغایرت و تضادی با ارزش‌های دینی، قانونی و حقوق بشری ندارد و در همه بخش‌ها درباره آن تأکید شده است. در سوره ممتحنه، آیه ۶۰، بیعت زنان با پیامبر در سال ششم هجری آمده است. سوره توبه، آیه ۷۱ در ارتباط به مسئله رهبری زنان و مردان یکسان ذکر شده است. حتی زنان می‌توانند مانند مردان قضاوت کنند و قاضی باشند. یکی از نمونه‌های بارز نقش زنان در صلح، حضور همسر پیامبر بزرگ، ام‌سلمه و مشورت‌دهی ایشان به پیامبر در صلح حدیبیه بوده است. در ماده‌های ۶۲ و ۷۲ قانون اساسی کشور برابری زن و مرد در تصدی مقام ریاست جمهوری و وزارتخانه‌ها به طور کامل ذکر شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸، به صراحت درباره حقوق سیاسی زنان تأکید کرده و آن را مورد حمایت قرار داده است. در ماده ۲۱ این اعلامیه آمده که زنان حق دارند در حکومت کشور خود مشارکت کنند. در بیستم دسامبر ۱۹۵۲ نیز کنوانسیون حقوق سیاسی زنان به تصویب رسید که بر اساس این سند، زنان از حق شرکت در انتخابات و رأی مساوی با مردان برخوردارند.

۴-۷. تأثیر گذاری از طریق ترویج ادبیات صلح

نقش دیگر بانوان بر پروسه صلح از طریق ترویج ارزش‌های صلح و فرهنگ آن است. زنان به عنوان یک مادر و کسی که بیش‌تر از همه روی فرزندان کشور تأثیر گذارند، با روش‌های تربیتی‌شان بیش‌ترین تأثیر را در ترویج ادبیات صلح و آشتی به جا می‌گذارند (انجنیر بیان، ۱۳۷۲: ۱۱). وقتی که جوانان و نوجوانان کشورها از محیط خانه با ادبیات همدیگر‌پذیری و صلح آشنایی پیدا کنند، دارای یک صلح بادوام و پربرکت خواهیم بود.

بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴

۴-۸. تأثیر گذاری از طریق نظارت و دادخواهی

بخش دیگری که نقش زنان را در فرایند صلح برجسته می‌سازد، نظارت دقیق، جدی و مستمر بانوان از چگونگی روند گفت‌وگوهای صلح است. زنان افغانستان باید با هم‌سویی و انسجام قدرتمند، از تمامی مراحل و پیشرفت گفت‌وگوها در قطر نظارت کامل داشته باشند و در صورت مشاهده هرگونه مشکل در بخش زنان، دادخواهی کنند؛ بنابراین، زنان باید در تمامی جلسات، چه در داخل و

چه در خارج از کشور، که مرتبط با صلح برگزار می‌شود، حضور فعال داشته باشند. برای حضور مؤثر بانوان در تمامی نشست‌های مرتبط به صلح، تأمین منابع مالی، شناسایی نمایندگان توانمند، انسجام داخلی و وحدت بانوان شرط اساسی است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۳). داکتر محمدمبین احمدی در این زمینه می‌گوید به هر اندازه که انسجام داخلی بیش‌تر باشد، به همان میزان، دست‌های مذاکره‌کننده در قطر بالاتر است.

۵. تأثیرگذاری صلح بر حقوق بانوان

بعد دیگر قضیه، نقش صلح و امنیت بر بهبود وضعیت زنان است. بدون شک، وقتی که با رعایت حقوق زنان و نقش آنان در فرایند صلح، این پروسه به نتیجه خوب برسد، تأثیرات خوبی بر حقوق زنان خواهد داشت. نتیجه‌بخش شدن صلح از یک سو سبب حفظ دستاوردهای کنونی بانوان می‌شود و از طرف دیگر، زمینه‌هایی را برای رشد و شکوفایی آنان در ابعاد حقوقی، اقتصادی، آموزشی و تحصیلی فراهم می‌کند. در مجموع، به این نتیجه می‌رسیم که صلح و حقوق زنان بین خود رابطه دارند و بر همدیگر تأثیرگذارند. به این خاطر، پیشنهادهای ذیل برای در نظر گرفته شدن نقش زنان در پروسه صلح مجال طرح پیدا می‌کند.

۶. پیشنهادها

۱. حضور معنادار زنان توانمند در فرایند صلح و تصمیم‌گیری آن، اولین پیشنهاد است؛ چون این حضور سبب گسترده‌تری مشارکت، کثرت‌گرایی و تحکیم موضع هیأت گفت‌وگوکننده جمهوری اسلامی افغانستان می‌شود. زنان چه در داخل کشور و چه نماینده‌شان در دوحه باید حضور خویش را معنادارتر بسازند. دولت، شورای عالی مصالحه، احزاب و نهادهای بین‌المللی در این زمینه باید به شدت از زنان حمایت کنند. رسول طالب، عضو هیأت مذاکره‌کننده می‌گوید صلح با عزت و دوامدار زمانی به وجود می‌آید که مشارکت زنان معنادار و شکوهمند باشد.
۲. شامل شدن بانوان در مدیریت پروسه صلح، از دیگر پیشنهادها است. داکتر سیما سمر در این زمینه می‌گوید زنان باید حضور معنادار داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌های اصلی شریک و سهمی باشند. با رعایت این مسئله می‌توان گفت که حضور آنان مؤثر خواهد بود. برای زنان اجازه داده شود که به حیث تسهیل‌کننده نقش خود را ایفا کنند.
۳. ایجاد یک نیروی فشار و نظارت دقیق از روند صلح، از دیگر پیشنهادها است. زنان باید فوراً در جریان مذاکرات صلح بین خود نشست داشته باشند و یک نیروی فشار را تشکیل بدهند که در

صورت انحراف روند صلح از مسیر اصلی، دوباره دو طرف را وادار به برگشتن به مسیر اصلی بسازند. هم‌چنین، بر نهادهای ملی و بین‌المللی نیز فشار بیاورند که صلح نباید از مسیر اصلی اش خارج شود. به گفته محترم محمدمین احمدی، نظارت جدی از پروسه صلح بسیار مهم و تأثیرگذار است. زنان باید به عنوان گروه فشار، بر چگونگی فیصله‌ها و مطالبات نظارت جدی داشته باشند. در این قسمت، زنان بایست تمام گرایش‌های سلیقه‌ای، سیاسی، زبانی، محلی و مذهبی را کنار گذاشته و با ایجاد یک فورم یا ائتلاف نیرومند سیاسی، نیروی فشار را در حاشیه هیأت‌های مذاکره‌کننده ایجاد کنند.

۴. توجه جدی و اساسی نهادهای ملی و جامعه جهانی در سهم‌گیری زنان در پروسه صلح، از دیگر خواست‌ها و پیشنهادهای بین‌المللی دخیل در پروسه صلح افغانستان باید این مسئله را بر طالبان بقبولانند که سهم زنان، حقوق و جایگاه آنان باید در نظر گرفته شود. وقتی که طالبان در افغانستان جگرگوشه‌های مادران را به سنگرها می‌فرستند و مصیبت را بر آنان وارد می‌کنند، باید نقش‌شان را در امتیازگیری نیز در نظر داشته باشند. دولت افغانستان و جامعه جهانی باید تعهد جدی بسپارند تا از حقوق بانوان در مذاکرات صلح حمایت کنند و نقش آنان را برجسته سازند.

۷. نتیجه‌گیری

۱. در وضعیت حساس کنونی، بررسی رابطه بین صلح و حقوق زنان و تأثیرگذاری زنان بر صلح، یکی از موضوعات و مسائل کلان ملی است؛ چون زنان به عنوان نصفی از پیکر جامعه ضررها و مشکلات متعددی را متقبل شده‌اند و اکنون باید از فرصت‌ها و مزایای صلح برخوردار شوند. برای استفاده بیش‌تر از این فرصت تاریخی و سرنوشت‌ساز، تأثیرگذاری زنان و پروسه صلح بر یکدیگر باید به شکل دقیق بررسی شود.

۲. بدون تأمین حقوق بانوان، پروسه صلح راه به جایی نخواهند برد؛ چون زنان نقش بزرگی را در این فرایند دارا هستند و دیگر در دنیای تاریخ بیست سال قبل زندگی نمی‌کنند و خیلی از موارد برای زنان قابل قبول نخواهد بود؛ چون در صورت عدم رعایت جایگاه زنان و بی‌نتیجه ماندن صلح، زنان توانمند مورد اهداف و ترورهای شخصیتی و فیزیکی دشمنان قرار گرفته و دستاوردهای‌شان نابود می‌شوند: زنان کشته و زخمی می‌شوند، سازمان‌های حامی آنان نابود می‌شوند، مکاتب و دانشگاه‌های مربوط به زنان حریق می‌شوند، دختران از رفتن به درس و تحصیل بازمی‌مانند و نیز از فعالیت‌های اقتصادی دور می‌شوند.

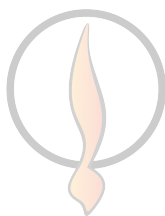
۳. اما در صورتی که جایگاه زنان در فرایند صلح به شکل جدی در نظر گرفته شود، پایه‌های صلح و امنیت به شکل اساسی پی‌ریزی می‌شود: رضایتمندی‌ها بالا می‌رود، مردم از دولت بیش‌تر حمایت

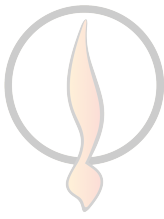
می‌کنند و دست از حمایت مخالفان مسلح برمی‌دارند و آن‌ها را در منازل و منطقه خویشت پناه نمی‌دهند. در مجموع، گفت‌وگوهای صلح زمانی مؤثر هستند که زنان در آن شامل باشند و حقوق‌شان در نظر گرفته شود.

منابع

۱. آشوری، محمد (۱۳۸۳)، حقوق زنان و مفاهیم مساوات، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲. آقابخشی، علی (۱۳۶۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر تندر.
۳. آل یاسین، جعفر (۱۹۸۵) بیروت، عالم الکتب.
۴. احمدی، عباس (۱۳۸۶)، «نقش عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد در ترویج حمایت از حقوق زنان»، شماره ۲۲.
۵. ارجمند، امیراحمد (۱۳۷۸)، «آموزش حقوق زنان و صلح»، مجله تحقیقات حقوق زنان، شماره ۲۵ و ۲۶.
۶. ارجمند، امیراحمد (۱۳۸۱) صلح و دموکراسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۷. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ترجمه رضا رضایی، تهران، نشر کوچ، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۸. افتخاری، صفر (۱۳۸۹)، صلح و امنیت بین‌الملل، مجموعه مقالات جهان اسلام، بی‌جا.
۹. بیان، امیرحسین (۱۳۷۲)، تأملی بر حقوق زنان، (بی‌جا).
۱۰. رضایی، رامین (۱۳۹۴)، نگاهی به تأثیرات متقابل حقوق زنان و صلح.
۱۱. رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیرات آموزش حقوق زنان بر توسعه»، مجله اندیشه‌های حقوقی، شماره ۲.
۱۲. زمانی، قاسم (۱۳۸۵)، «انتظارات جهانی بر اجرای حقوق زنان»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۹.
۱۳. شفيعی، نوذر (۱۳۹۱)، ارزش‌های حقوق زنانی و صلح، تهران.
۱۴. صفایی، سید حسن (۱۳۷۰)، حقوق زنان در اعلامیه جهانی یونسکو، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۵. طلایی، فرهاد (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر متقابل حقوق زنان و صلح بر یکدیگر، تهران.
۱۶. عبادی، شیرین (۱۳۷۳)، تاریخچه اسناد حقوق زنان، تهران، انتشارات روشنگران.
۱۷. فتاحی، حسین (۱۳۸۶)، بررسی اصل عدم تبعیض در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۱۸. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۱)، «جمالاتی در مفاهیم قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت»، مجله حق صلح و منزلت انسانی، شماره ۲۶.
۱۹. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۱)، «جمالاتی در مفاهیم قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت»، مجله حق صلح و منزلت انسانی، شماره ۲۶.
۲۰. قانون مدنی افغانستان، مصوب ۱۳۵۵، شماره مسلسل ۳۵۳.
۲۱. قانون مدنی افغانستان، مصوب ۱۳۵۵، شماره مسلسل ۳۵۳.
۲۲. لطفی، اسدالله (۱۳۹۱)، حقوق اساسی و ساختار نظام، انتشارات جاودانه، دانشگاه تهران.
۲۳. ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۴. موحد، محمدعلی (۱۳۸۱)، در هوای حق و عدالت، تهران، نشر کارنامه.

۲۵. موسوی، فاطمه (۱۳۹۲)، «حقوق سیاسی زنان از منظر اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهشی زن و فرهنگ، سال چهارم، شماره ۱۵.
۲۶. ناظم‌زاده، علی (۱۳۸۲)، «حقوق بشر از آدم تا حوا»، مجله آفتاب، شماره ۳۲.
۲۷. ندوشن، محمدعلی (۱۳۵۷)، ذکر مناقب حقوق زنان، تهران، انتشارات توک.
۲۸. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق زنان و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان.





بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴